



# میان دو عید

## سخنی دربارهٔ تعبیری در دیباچهٔ بوستان سعدی

لقمان محمودپور\*

### مقدمه

سعدی، گذشته از دیگر هنرهایش، جهان‌گردی تیزبین و باهوش بوده است. او اقوام و ملل مختلف را دیده و به نقاط دور و نزدیک آن روزگار سفر کرده و با کسان زیادی، از هر نوع، مصاحبت داشته است. سعدی از فرهنگ مردمان مختلف روستاها و شهرهای گوناگونی که در آنها اقامت داشته، یا مردمانی که در کاروان‌ها و سفرهای طولانی همسفر آنان بوده، بهره‌مند گردیده است. آثار این بهره‌مندی، به وضوح در آثار و اشعار وی دیده می‌شود. موارد مختلفی از شعر سعدی به کمک آشنایی با فرهنگ عامهٔ مردم در نقاط گوناگونی که او سیر نموده، درخور بررسی است. آنچه اینجا ارائه می‌شود، از این مقوله است.

در این گفتار سعی می‌شود مدلول «دو عید» و نیز معنی واقعی «میان دو عید» با استدلال و شواهد گوناگون بیان شود. «میان دو عید» جزوی است از بیتی در دیباچهٔ بوستان، که سعدی در آن، تاریخ تحریر بوستان را بیان می‌کند:

به روز همایون و سال سعید

به تاریخ فرخ، میان دو عید

ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج

که پُر دُر شد این نام‌بردار گنج (سعدی، ۱۳۶۹: ۲۰۵)

### پیشینهٔ تحقیق

در شروح مختلفی که بر بوستان نوشته شده، توضیحاتی دربارهٔ «میان دو عید» آمده است.

شادروان دکتر یوسفی در توضیح آن نوشته است: «شاید مقصود، بین دو عید فطر (اول شوال) و عید اضحی (عید قربان، دهم ذوالحجه) باشد، یا در فاصلهٔ میان نوروز و یکی از اعیاد دینی» (سعدی، ۱۳۶۸: ۲۱۹). دکتر رضا انزلی‌نژاد و دکتر سعید قره‌بگلو دربارهٔ

### چکیده

«عید» واژه‌ای عربی و اسلامی است؛ اما معنایی عام دارد. این واژه در متون کهن ادبیات فارسی، هم برای اعیاد اسلامی و هم برای آیین‌های ملی ایرانیان به کار رفته است. این واژه را نمی‌توان به استعمالی خاص محدود کرد؛ اما در هر حال، صبغهٔ اسلامی دارد و بسامد آن در ادبیات فارسی، برای اعیاد دینی بالاتر است. «دو عید» در متون نظم و نثر فارسی، بر خلاف عید، مطلقاً دربارهٔ عید فطر و قربان به کار رفته و ترجمهٔ «عیدین» است. «میان دو عید» که در دیباچهٔ بوستان سعدی آمده است، نه بر زمانی عام و مبهم، که بر زمانی خاص و مشخص دلالت دارد و آن، «ماه ذی‌قعدة» است و عنوانی است که عامهٔ مردم در نقاط مختلف بر این ماه اطلاق کرده‌اند. واژه‌های کلیدی: دو عید، فطر و قربان، میان دو عید، ذی‌قعدة.

«دو عید» این گونه نوشته‌اند: «مشخص نیست این دو عید کدام است؛ به احتمال قوی، دو عید اضحی و فطر باید باشد» (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

#### عید

«عید» واژه‌ای است عربی و اسلامی، که یک بار در قرآن کریم آمده است: «عیسی بن مریم گفت: خداوندا، پروردگار ما، مانده‌ای از آسمان برای ما فرو فرست که عیدی باشد برای ما؛ برای اول ما و آخر ما؛ و آیه‌ای باشد از تو؛ و به ما روزی عطا فرما؛ و تو بهترین روزی دهنده‌گانی» (مائده: ۱۱۴).

«عید» معنای عام دارد و به هر زمان خاص یا هر گونه مراسم و آیینی که در آن، ابراز شادی و سرور کنند، اطلاق می‌گردد. این واژه، هم برای آیین‌های ادیان و ملل غیر ایرانی به کار رفته و هم درباره آیین‌های ایرانی، همچون «مهرگان» و «نوروز». در تاریخ‌نامه طبری، عید برای مهرگان به کار رفته است: «و آن روز مهر بود از مهر ماه؛ و آن روز عید مهرگان خوانند و عید مهرگان از آن گرفته‌اند» (تاریخ‌نامه طبری ۱۰۴/۱-۱۰۵).

اما به رغم عام بودن معنای عید، باید دانست که این واژه صیغه اسلامی دارد و بسامد استعمال آن در آثار قدما برای اعیاد اسلامی، بسیار بیشتر است. این واژه در متون کهن فارسی برای آیین‌های ملی ایرانیان کمتر به کار رفته است. هر چند به طور پراکنده، می‌توان شواهد گوناگونی برای استعمال آن برای آیین‌های ایرانی یافت، اما آیین‌های ایرانی، معمولاً یا به طور مطلق به کار رفته‌اند، یا با واژه جشن؛ مثلاً در تاریخ بیهقی، «عید» فقط برای عید فطر و قربان، و فعل «عید کردن» هم تنها برای آنها به کار رفته و «سده» هم یک بار به طور مطلق آمده است. صاحب‌التفهیم هم «عید» را فقط برای فطر و قربان به کار برده است، نه برای آیین‌های ملی ایرانیان.

در آثار سعدی، مطابق تحقیقی که به عمل آورده‌ایم، «عید» فقط برای فطر و قربان به کار رفته و «نوروز» به صورت مطلق و با همان لفظ نوروز یا به صورت صفت، در ترکیباتی همچون «باد نوروزی» آمده است.

با وجود این، عید معنایی گسترده و عام دارد و نمی‌توان به طور مطلق آن را به موردی خاص مقید نمود.

#### تفاوت جشن با عید

«جشن»، که معادل فارسی عید است، در برخی موارد، تفاوت معنایی مختصری با آن دارد و آن، وقتی است که این دو با هم و در کنار هم می‌آیند؛ مثلاً ازرقی، از شعرای قرن پنجم، درباره عید فطر می‌گوید:

عید مبارک آمد و بر بست روزه بار

زان گونه بست بار که پیرار بست و بار  
در جشن روز عید، می لعل فام خواه  
بگزار در مراد چنین جشن صدهزار (عثمان مختاری،  
۱۳۸۲: ۴۶۲، حاشیه)

«جشن» و «عید» در این گونه موارد، دقیقاً هم‌معنی نیستند. واژه «جشن» ناظر به آیین‌ها، مراسم و اعمال ویژه‌ای است که انجام می‌گیرد؛ در حالی که عید بر زمانی خاص دلالت دارد. به عبارت دیگر، در «عید» تکیه بر زمان است؛ اما در «جشن» تکیه بر اعمال.

#### «میان دو عید» عام و مبهم نیست

اگر هم «دو عید» و هم میان آنها را عام بگیریم، هر روزی - و هر لحظه‌ای - از سال، میان دو عید است؛ زیرا در هر روزی که باشیم، قبل از آن روز، با فاصله کم یا زیاد، عیدی بوده و بعد از آن هم، با فاصله کم یا زیاد عیدی خواهد بود. به این ترتیب، تمام روزهای سال، به جز ایامی که عید است، میان دو عید خواهد بود، و این خلاف چیزی است که سعدی اراده کرده است. او می‌خواهد تاریخ نگارش بوستان را نشان دهد، که با این برداشت معنایی از میان دو عید میسور نخواهد بود. سعدی می‌خواهد تاریخ این واقعه را دقیقاً روشن کند، و استنباط چنین معنایی از میان دو عید، تاریخ واقعه را مبهم می‌کند و آن را به صورت شناور در می‌آورد؛ به گونه‌ای که هر جای سال را که خواستیم می‌توانیم میان دو عید به حساب بیاوریم.

#### نوروز با یکی از اعیاد دینی

این «دو عید» نمی‌تواند نوروز با یکی از اعیاد دینی باشد؛ زیرا نوروز ثابت است در حالی که اعیاد دینی در فصول مختلف سال می‌چرخند. می‌دانیم که تعداد روزهای سال شمسی ۳۶۵ روز و ربع (حدود ۶ ساعت) است؛ و تعداد روزهای سال قمری ۳۵۴ روز. سال قمری ۱۱ روز کمتر از سال شمسی است؛ و این بدین معناست که سال قمری در داخل سال شمسی قرار می‌گیرد و در داخل آن می‌چرخد؛ و هر سال ۱۱ روز جلو می‌آید (از بهار به طرف زمستان). اگر فرضاً اول محرم امسال ۱۱ فروردین ماه باشد، اول محرم سال بعد در اول فروردین ماه خواهد بود. بدین ترتیب، ماه‌های سال قمری هر ۳۳ سال یک دور کامل در داخل سال شمسی می‌چرخند؛ یعنی ماه محرم، مثلاً، در هر ۳۳ سال در تمام فصول سال و تمام ماه‌های شمسی قرار می‌گیرد. بنابراین اعیاد فطر و قربان و ماه‌های آنها هم هر ۳۳ سال یک بار در نوروز قرار خواهند گرفت.

حال اگر معتقد به این باشیم که «میان دو عید» میان

نوروز و یکی از اعیاد دینی است، می‌بینیم که هر ۳۳ سال نوروز و عید فطر یا قربان در یک زمان و در اول سال قرار خواهند گرفت، آن وقت دیگر «میان دو عید» ی نخواهیم داشت. اطلاق میان دو عید بر زمان کلی و مبهم باطل است؛ و اگر بر زمان خاصی دلالت کند، باید این زمان ثابت باشد؛ و اگر دو عید را نوروز و یکی از اعیاد دینی در نظر بگیریم، این ثابت را نخواهد داشت؛ بنابراین نمی‌شود که این دو عید، نوروز با یکی از اعیاد دینی باشد.

### دو عید، کدامند؟

«دو عید» ترجمه «عیدین» عربی (مثنای عید) است و اختصاصاً بر دو عید فطر و قربان دلالت دارد.

عید فطر بعد از ماه رمضان (نهمین ماه سال قمری) و در روز اول شوال (دهمین ماه سال قمری) است. نام‌های دیگری نیز بر آن نهاده‌اند، که از آن جمله‌اند: عید صیام، عید روزه، عید رمضان، عید روزه گشادن.

عید قربان در روز دهم ماه ذی‌حجه (دوازدهمین ماه سال قمری) است. از نام‌های دیگر آن: عید گوسپندکشان، عید قربانی، و عید اضحی است.

دلایلی که ما آورده‌ایم و نشان می‌دهد «دو عید» صرفاً به عید فطر و قربان اطلاق می‌شود، سه مورد است:

### اول: قانون تشبیه

دو اسمی که مثنی می‌شوند، باید سنخیت داشته باشند؛ یعنی لفظاً و معنای یکی باشند؛ مانند «رجل»، که مثنای آن می‌شود «رجلین». اگر دو کلمه در لفظ یکی باشند، اما در معنی یکی نباشند، نمی‌توان آنها را مثنی کرد؛ مثلاً نمی‌شود گفت «غزالتین»، که یکی «غزاله» به معنی آهو باشد و یکی به معنی خورشید. اگر لفظشان یکی باشد، اما یکی در معنی حقیقی و دیگری در معنی مجازی به کار رفته باشد، باز هم نمی‌شود آنها را مثنی نمود؛ مثلاً نمی‌توان گفت «اسدین»، که یکی به معنی شیر و دیگری به معنی مرد شجاع باشد.

کلمه «عید» که به صورت «عیدین» مثنی شده و «دو عید» معادل فارسی آن است، هر دو تایی آنها با هم سنخیت و اشتراک دارند. اشتراکشان در لفظ که معلوم است، و در معنی هم «صبغة اسلامی بودن» آن دو است. به همین علت، نمی‌توان از «عیدین» یا «دو عید»، یکی از اعیاد اسلامی را با یکی از جشن‌های ملی ایرانیان اراده کرد. اگر قرار بر این باشد که «عیدین» یا «دو عید» را به هر دو عیدی که خواهیم - اعم از دینی و ملی - اطلاق کنیم، آن وقت مدلول «دو عید»‌های فراوانی که در متون مختلف نثر و نظم آمده است، نامشخص خواهد بود. «دو عید»‌های مطلق

که در متون گوناگون به تعداد زیاد آمده، الزاماً همگی باید بر مفهوم واحد و بر دو عید خاص - که همان فطر و قربان است - دلالت کند؛ زیرا از زبان گویندگان مختلف، در ادوار مختلف، و در نقاط مختلف بیان گردیده است.

### دوم: سخن راغب

راغب اصفهانی (متوفای ۵۰۲ هـ ق) در مفردات خود درباره «عید» می‌گوید: «عید چیزی است که هر بار برمی‌گردد؛ و در شریعت به روز فطر و روز قربان اطلاق شده است؛ چون این ایام، در شریعت اسلام... ایام شادی و سرور به حساب آمده، به هر روزی که در آن شادی باشد، توسعاً عید اطلاق می‌گردد» (الراغب الإصفهانی، ۲۰۰۳: ۳۵۵، ذیل «عود»).

### سوم: شواهد

در متون مختلف نثر و نظم - و حتی متون غیر ادبی - مکرراً عبارت «دو عید» آمده است. در برخی از آنها به صراحت، این دو عید نام برده شده است و در بقیه، به دلایلی که گفتیم و با قراینی که می‌توان یافت، معلوم می‌شود که این دو عید، همان عید فطر و قربان است.

غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ ق) در ادامه سخن درباره انواع نمازها، از نمازهای عیدین سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: «اول نماز عیدین و آن، سنت مؤکده است» (غزالی، ۱۳۸۴: ۴۳۴).

ناصر خسرو (۳۹۴ - ۴۸۱ هـ ق) در سفرنامه‌اش، در وصف خلفای مصر می‌گوید: «عادت ایشان چنان بود که سلطان در سالی به دو عید خوان بنهد و بار دهد خواص و عوام را» (ناصرخسرو قبادیانی، ۱۳۸۴: ۹۷).

ابن بطوطه (۷۰۳ - ۷۷۹ هـ ق) در سفرنامه‌اش می‌گوید: دو عید اضحی و فطر را در مالی بودم» (رحلة ابن بطوطه، ۶۹۵). عنصری (متوفای ۴۳۱ هـ ق) درباره جشن‌های سال می‌گوید:

به سالی اندر هموار پنج جشن بود

دو رسم دین عربی، سه رسم ملک عجم

سه مر عجم را نوروز و مهرگان و سده

بهار و تیر، که آباد زو شود عالم

بهار صورت رویی که عارض و زلفش

ز لاله دارد رنگ و ز مشک دارد شم

ز مهرگان و سده بس دلیل روی و دلم

پُرآتشم دل و، رخساره گشته زرد از غم

دو عید رسم عرب، عید اضحی و فطر است

لقای مجلس میر است بر عبید و خدم (عنصری بلخی،

۲۰۴-۲۰۵)

خاقانی (متوفای ۵۹۵ هـ ق) هم دو عید فطر و قربان را به صراحت ذکر نموده است:

رضوان به دو عید اضحی و فطر  
از خاک مقدّسش برد عطر (تحفة العراقین: ۱۱۴)  
گفتم کدام عید؟ نه اضحی بود، نه فطر  
بیرون از این دو عید، چه عید است دیگرش؟ (خاقانی  
شروانی: ۲۲۶)

آنجا که احمد آمد و آیین هر دو عید  
زردشت ابتر است و حدیث میترش (همان)  
عید هر سالی دو بار آید، که آفاق جهان  
بستن آذین زیبا برتابد بیش از این (همان: ۳۳۷)  
تا دور صبح و شام به سالی دهد دو عید  
هر صبح و شام باد دو عید مکررش! (همان: ۲۲۷)  
سنایی (۴۶۷-۵۲۹ هـ ق) گفته است:  
تا ز دو عید و یکی قدر چه خیزد تو را  
عید همی بین و قدر در شکن موی (سنایی، ۱۳۸۰: ۵۶۶)  
مولانا (۶۰۴-۶۷۲ هـ ق) گوید:  
شما را عید در سالی دو بار است  
دو صد عید است هر دم کار ما را (مولوی، ۱۳۸۵: ۹۰)  
سالی دو عید کردن، کار عوام باشد  
ما صوفیان جان را هر دم دو عید باید (همان: ۳۴۷)  
امیر معزی، از شعرای قرن پنجم و ششم، هم گفته است:  
عید اضحی، رسم و آیین خلیل آزر است  
عید فطر اندر شریعت سنت پیغمبر است  
هر دو، عید ملت است و سنت است اسلام را  
عید دولت طلعت میمون سلطان سنجر است  
عید ملت خلق را باشد به سال اندر دو روز  
طلعت او خلق را هر روز عیدی دیگر است (امیر معزی، ۱۳۸۵: ۸۳)

### میان دو عید

حالا که معلوم شد «دو عید» فطر و قربان است، «میان دو عید» هم نباید فاصله عام بین آنها باشد؛ یعنی نباید به کل فاصله بین این دو عید و به هر روزی از این فاصله اطلاق شود. عید فطر، اول شوال است و عید قربان، دهم ذی حجه. فاصله بین این دو، حدوداً ۷۰ روز است و این هفتاد روز، جزو تقسیمات زمانی‌ای که ما می‌شناسیم و گذشتگان به کار برده‌اند، نیست.

«میان دو عید» عنوانی است که در فرهنگ عامه مردم - و متأثر از علایق دینی آنان - بر ماه «ذی‌قعدة» یازدهمین ماه سال قمری، اطلاق شده است. ذی‌قعدة، میان شوال (دهمین ماه سال قمری) و ذی‌حجه (دوازدهمین ماه سال قمری) قرار

گرفته است و چون در ماه‌های شوال و ذی‌حجه به ترتیب اعیاد فطر و قربان قرار دارد، به ماه ذی‌قعدة، که میان این دو ماه (یا دو عید) واقع شده، «میان دو عید» گفته‌اند. واژه عید در عبارت «میان دو عید» مجازاً به معنی ماه است از باب اطلاق جزء به کل. ما برای حرف خود، که «میان دو عید» به ماه «ذی‌قعدة» اطلاق می‌شود، سه دلیل داریم:

### اول: شاهد

ما از کتاب تاریخ سیستان شاهدهی برای «میان دو عید» یافته‌ایم. ضرورت ایجاد می‌کرد که تعدادی از جملات قبل و بعد از شاهد را هم بیآوریم تا قرآینی که در اثبات معنی «میان دو عید» کمک می‌کند، در دسترس باشد. شایان ذکر است نویسنده تاریخ سیستان در ذکر رویدادها، به سال و ماه و روز آنها - اگر روز و ماه آنها برایش معلوم باشد - اشاره می‌کند و اگر واقعه‌ای، مثلاً در فلان سال رخ داده باشد، به سال آن اشاره می‌کند؛ اما در ذکر وقایع دیگری که در همان سال رخ داده است، دیگر سال را تکرار نمی‌کند و فقط ماه و روز آن را - اگر برایش معلوم باشد - ذکر می‌کند؛ مثلاً می‌گوید در دهم رجب همان سال.

شاهد این است:

«و آمدن شمس‌الدین از نیه، غرة رمضان، هم بدین سال [و] یخ بستن خرماء سیستان در صفر به سال پانصد و شصت و دو و خورشید گرفتن به جمله [و] روز چون شب شدن و ستاره پدید آمدن روز بیست و هفتم جمادی‌الآخر [ه] هم بدین سال».

«گرفتن پادشاهی امیر تاج‌الدین حرب، یازدهم شعبان، به سال پانصد و شصت و چهار و آمدن عز‌الملوک از نیه هم بدین سال».

«[و] در میان دو عید آمدن غز - لعنهم الله - و مصاف شکرستان روز عید اضحی هم در این سال [و] دیگر باره آمدن عز نیر دهم محرم به سال پانصد و هفتاد و چهار، و آمدن لشکر ملاحده - لعنهم الله - به دیه حورق [؟] و کشتن ادیب با جعفر را به روز چهارشنبه، غرة رجب سال بر پانصد و نود و شدن لشکر سیستان به قهستان، پانزدهم این ماه و ...» (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۳۶۲-۳۶۳).

شاهد فوق دو چیز را نشان می‌دهد: یکی اینکه منظور از دو عید، دو عید اضحی و فطر است؛ زیرا یکی از آنها را، یعنی عید اضحی - که دومین عید است - نام برده است. واقعه قبلی هم در شعبان بوده و بین شعبان و عید اضحی، تنها عید فطر وجود دارد.

نکته دوم - که شاهد را برای آن آورده‌ایم - اینکه نویسنده

جلوس تاج‌الدین بر تخت شاهی را در یازدهم شعبان پانصد و شصت و چهار ذکر نموده است. وی، که رخدادها را بر حسب تاریخ وقوعشان ذکر می‌کند، به واقعه‌ای که بعد از واقعه شعبان (ماه هشتم سال قمری) پانصد و شصت و چهار رخ داده است، اشاره نموده و آن، آمدن غز است. او در ذکر وقایع، به سه صورت عمل می‌کند؛ یا روز و ماه و سال را ذکر می‌کند، یا فقط سال و ماه را و یا فقط سال را؛ و برای ثبت و ضبط حوادث، فقط از این سه صورت استفاده می‌کند، نه صورت دیگری. با توجه به آنچه قبلاً گفتیم، «میان دو عید» نباید زمان عام و مبهمی باشد؛ زیرا در آن صورت، زمان وقوع رویداد مشخص نخواهد بود؛ این «میان دو عید» همان «ماه ذی‌قعدة»، ماه یازدهم است.

#### دوم: قراین بیت

سعدی در بیت مورد نظر ما و بیت بعد از آن، هم به روز و هم به سال تحریر بوستان اشاره کرده است. اینکه چه روزی از سی روز ماه بوده است، در این دو بیت برای ما معلوم نیست؛ اما در هر حال، روز اتمام تحریر بوستان را آورده و قید همایون را هم به آن افزوده است، که احتمالاً روز جمعه بوده باشد. در بیت بعدی، سال را ذکر کرده است. این روز و سال، قرینه‌ای است که نشان می‌دهد «میان دو عید» ماه است، و مطابق دلایل اول و سوم، همان ماه ذی‌قعدة است؛ چون سال آن برای همه و روز آن برای سعدی مشخص است؛ می‌ماند ماه آن. برای ثبت وقایع هم این سه لازمند. نمی‌شود نویسنده سال را ذکر کند، به روز هم اشاره کند، اما از ماه چیزی نگوید و از یک زمان مبهم و نامعلوم - اگر میان دو عید را زمان عام و مبهمی بگیریم - بعد از آن دو زمان معلوم، سخن به میان بیاورد.

#### سوم: زبان کردی

«میان دو عید» در زبان کردی هم به ماه ذی‌قعدة اطلاق می‌شود. مؤلف فرهنگ کردی - فارسی هه نیانه بورنیه عبارت «نیوجیژنان» (= میان دو عید) را به ماه ذی‌قعدة معنی کرده است (هه‌زار، ۱۳۸۵: ۸۹۸). مؤلف فرهنگ فارسی - کردی دانشگاه کردستان هم در ذیل «ذی‌قعدة» نوشته است: «ناف جیژنان» (= میان دو عید) (مردوخ روحانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹۱/۲).

#### پی‌نوشت

\* عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه پیام نور مرکز نقده.

#### کتابنامه

- الراغب الإصفهانی، ۲۰۰۳، المفردات فی غریب القرآن. قاهره: المكتبة التوفیقیة.
- امیر معزی، ۱۳۸۵، دیوان. تصحیح و تعلیقات محمدرضا قنبری. تهران: زوآر.
- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۸۲، التفهیم. به تصحیح استاد علامه جلال‌الدین همایی. تهران: مؤسسه نشر هما.
- بیهقی، ۱۳۸۴، تاریخ بیهقی. تصحیح دکتر علی اکبر فیاض. تهران: علم.
- تاریخ سیستان، ۱۳۸۱، به تصحیح ملک‌الشعراء بهار. تهران: معین.
- تاریخنامه طبری، ۱۳۸۰، گردانیده منسوب به بلعمی. تصحیح و تحشیة محمد روشن. تهران: سروش.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۸۵، کلیات شمس تبریزی. تهران: امیرکبیر.
- خاقانی شروانی، ۱۳۷۸، دیوان. به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی. تهران: زوآر.
- رحلة ابن بطوطه. ۱۴۲۸ق/ ۲۰۰۷م، شرحه و کتب هوامشه: طلال حرب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سعدی، ۱۳۶۸، بوستان سعدی (سعدی‌نامه). تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- ۱۳۶۹، کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- ۱۳۸۱، بوستان سعدی. شرح و گزارش از دکتر رضا انزایی‌نژاد و دکتر سعید قره‌بگلو. تهران: جامی.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم، ۱۳۸۰، دیوان. به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. تهران: سنایی.
- عثمان مختاری، ۱۳۸۲، دیوان. به اهتمام جلال‌الدین همایی. تهران: علمی و فرهنگی.
- عنصری بلخی، ۱۳۶۳، دیوان. به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه سنایی.
- غزالی، ابوحامد، ۱۳۸۴، احیاء علوم‌الدین. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: علمی و فرهنگی.
- قرآن کریم.
- مردوخ روحانی، ماجد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی - کردی دانشگاه کردستان. سنندج: دانشگاه کردستان.
- ناصرخسرو قبادیانی، ۱۳۸۴، سفرنامه ناصرخسرو. به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: زوآر.
- هه‌زار، ۱۳۸۵، فرهنگ کردی - فارسی (هه نیانه بورنیه). تهران: سروش.